



مرکز جهانی علوم اسلامی

مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته فقه و معارف اسلامی

عنوان:

ترجمه کتاب:

«تاریخ و سیره سیاسی امیر مؤمنان علی بن ابیطالب (علیه السلام)»
(به زبان اردو)

مؤلف:

حجة الاسلام و المسلمین رسول جعفریان

استاد راهنما:

حجة الاسلام و المسلمین سید شجاعت حسین رضوی

استاد مشاور:

حجة الاسلام و المسلمین دکتر منصور میراحمدی

دانش پژوه:

سید تنویر عباس رضوی

سال ۱۳۸۴

کتابخانه جامع مرکز جهانی علوم اسلامی

شماره ثبت: ۱۴۱۷

تاریخ ثبت:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

چکیده مطالب

آنطور که از موضوع کتاب پیدا است يك موضوع تاریخی و سیاسی بهم پیوسته می باشد. برای اینکه در این کتاب از حکومت امیر المومنین^ع بحث می شود، لذا چه جریان هائی پیش آمده که امام علی علیه السلام خلافت را پذیرفتند؟ وقتی همه^ع به امام^ع بیعت کردند چه مشکلات پیش آمده که آنهاى بیعت کرده بودند ربرو امام^ع ایستادند، و سه تا جنگ مهم رخ داد ؟

پس اولاً جایگاه امیر المومنین علی بن ابی طالب^ع نزد پیغمبر و خلفاء چه بوده عرض خواهم کرد. حقیقت امر اینست که پیامبر (ص) به پاس جایگاه بلند امام^ع در میان اصحابش، هم به لحاظ معنوی و هم به جهات علمی و اجتماعی؛ و نیز فداکاری های او در عرصه های مختلف، در هر فرصتی مناسب، قدر اعتبار او را به مردم تفهیم می کرد. این گفته ها، همان های می باشند که به رغم تلاش امویان با سلسله اسناد معتبر در کتاب های مهم حدیثی و تاریخی انعکاس یافت.

رسول خدا (ص) علی^ع را به عنوان "برادر" خود می برگزید. از خود عائشه نقل شده که در مردان علی^ع محبوبترین اشخاص نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم بوده.

پس از رحلت پیامبر (ص) بلافاصله پس از خلافت ابو بکر، و اصرار امام^ع در اثبات حقانیت خود نسبت به خلافت، سبب بروز مشکلاتی در روابط آنان شد. حمله به خانه امام^ع و حالت قهر حضرت فاطمه (س) و عدم

اجازه برای حضور شیخین بر جنازه آن حضرت، اختلات را عمیق تر کرد. و بعد از این امام گوشه نشین شد. و زندگی امام ناشناخته باقی ماند. و امام تنها در مدینه شناخته می شد، اما در عراق و شام کسی امام را نمی شناخت، تنها چند نفر از یمنی ها امام را می شناختند.

روابط امام با ابو بکر بسیار سرد بوده، در زمان عمر امام قضایی زیادی پاسخ داد. عمر از پرخاش ظاهری به امام خوداری کرده و در ظاهر به امام حرمت می نهاد، اما عثمان چنین نبود، او تحمل اظهار نظرهای امام را نداشت؛ و همان زمان امام از کار کردهای او ناراحت بودند؛ و در زمان شورای خلافت، حاضر به پذیرفتن شرط عبد الرحمن بن عوف نشد. ابن عوف شرط کرد که امام افزون بر عمل به کتاب خدا و سیره رسول خدا صلی الله علیه و سلم به سیره شیخین هم عمل کند، در اینصورت حاضر است خلافت به امام واگذار کند. به هر روی زندگی منزویانه امام در آن جامعه، نشان از آن دارد که هم امام و هم خلفاء می دانستند که نمی توانند با دیگری به نحوی برخورد کنند که به معنای تائید دیدگاه او بویژه در امر خلافت باشد.

لذا می توان گفت امام در خلافت سه خلیفه نخست، مشارکت فعال سیاسی نداشتند. پیروزی امام علی پس از عثمان، تا حدود زیادی، به معنای غلبه مخالفان قریش و خط ضد اموی بوده. این مخالفان اولاً از اصحاب قبائل عراق و مهاجران مصری و ثانیاً همدلی انصار و مردم بومی مدینه بودند. اینها بخشی از مخالفان عثمان را تشکیل دادند؛ و گروهی از خود قریش به دلیل بی توجهی عثمان و توجه خاصش به امویان،

در کنار مخالفان قرار داشتند. در رأس این گروه، طلحه، وزبیر، وعائشه بودند؛ و عمرو و عاص هم که از حکومت مصر معزول شده بود بر ضد عثمان فعالیت می کرد.

این مخالفت ها سبب شد که عثمان کشته شود و مردم به خانه علی هجوم آوردند و اظهار کردند علی خلیفه است. و امام از بیعت منع می کرد، اما با اصرار در مسجد با حضور انصار و مهاجرین بیعت را پذیرفت و همه مردم به علی بیعت کردند. در این جمع طلحه و زبیر هم حضور داشتند. در انتخاب امام به رهبری جامعه چند نکته قابل توجه است، شرکت مردم در انتخاب خلیفه اول، در آغاز محدود به شرکت کنندگان در سقیفه بوده. انتخاب عمر در شکل استخلاف بوده؛ و عثمان نیز برگزیده شورای محدود بوده. در مقایسه با این، انتخاب علی بصورت گسترده، خواست اکثریت مردم حاضر در مدینه بود. در این بیعت علاوه بر مهاجرین و انصار نمایندگان مردم عراق و مصر نیز شرکت داشتند؛ و شیوه پذیرفته شده در بیعت، بیعت مهاجرین و انصار بود، برای همین در تمام شهرها امام را پذیرفتند.

ولی اینجا باید گفت با وجود بیعت مهاجرین و انصار و عمومی بودن بیعت امام، توافقی که در زمان شیخین بود پدید نیامد و جماعت شکل نگرفت. در زمان عثمان بخاطر عمل نکردن احکام خدا؛ و قائل شدن به تبعیض این جماعت از هم گسست، و بیعت با امام در روز جمعه هیچدم ما ه ذی الحجه سال ۳۶ هجری انجام شد.

زمانی که امام خلافت را پذیرفت مشکلات فراوانی وجود داشت، من

جمله عدالت اقتصادی بوده، که سالها پیش از طرف عمر به سوابق اسلامی افراد و ترکیب قبائلی قرار داده شده بود؛ و در زمان عثمان همین رویه کار گرفته شد، علاوه بر این، بذل بخشش هم شروع شده بود. تعارضات نژادی و طایفه ای که عرب بر موالی برتری داشتند. و امام حاضر به قبول کمترین فرقی میان آنان نبود، و از طرفی فساد اجتماعی و دنیا گرایی مشکلاتی بودند، که امام دچار اینها بودند. در این میان همه اینها را باید اصلاح کند. لذا وقتی امام بر سر خلافت آمد، رسالت اصلی خود را اصلاح او ضاع جامعه می دانست، در اینصورت احیای سیره نبوی اصلاح همه جانبه مورد توجه قرار داد. وقتی امام آن سیره صحبت کرد آنهای که بیعت کرده بودند، اعتراضها را شروع کردند. و تنها چند ماه پس از روی کار آمدن امام در سال ۳۶ هجری نخستین جنگ داخلی میان مسلمانان، با تحریک گروهی پیمان شکن، به رهبری طلحه، زبیر و عائشه در جمادی الثانیه آن سال بر پا شد.

وقتی که خط میانی قریش دیدند که علی بر سر کار آمده پس اکنون چه باید کرد؟ ابتدا حکومت جدید علوی را پذیرفت به گمان اینکه بتواند سهم عمده ای در حکومت تازه داشته باشند، طلحه و زبیر پیشنهاد کردند تا حکومت بصره، کوفه یا شام به آنها سپرده شود. امام فرمودند که در مدینه بیشتر نیاز است. همان موقع طلحه و زبیر مکه پیش عائشه رفتند تا ایشان را همراه کنند، عائشه پرسید وظیفه ما چیست؟ آنها گفتند شما بگوئید عثمان مظلوم کشته شده؛ و باید کار خلافت به شورای میان مسلمین باز گردد.

امویان ساکن در حجاز از روی فرصت طلبی به کمک این گروه شتافتند. طلحه و زبیر به عائشه گفتند، اگر مردم بصره تو را ببینند، همگی

باتو متحد خواهند شد. عائشه از آنجا رهسپار بصره می شود. از ام سلمه هم می گوئید شما هم بایید ولی ایشان از این کار نهی می کند، و خود عائشه را هم نهی می کند که شما نباید برید.

ام سلمه اقدام شورشیان را از طریق نامه به علی^ع خبر داد. عائشه در بصره رسید. و بصریان را از خود کرد. و سپاهیان تا مرید آمدند. طلحه در حضور جمع مظلومیت عثمان سخن می گفت. زبیر و عائشه نیز سخرانی کردند. در این میان قرار شده که تا آمدن علی^ع صبر کند، اما به عثمان بن حنیف حمله کردند. وقتی امام^ع باخبر شدند، امام^ع از مدینه به همراه چهار هزار نفر به سوی عراق حرکت کردند.

امام علی^ع به هیچ روی مائل به برپایی این جنگ نبود، لذا سه روز صبر کردند. اما صبح روز دهم جمادی الاول لشکر امام^ع آماده شد، امام^ع به عائشه نصیحت کردند، ولی کسی هیچ چیز گوش نکرد. جنگ از ظهر تا شب ادامه یافت. و بیشترین جنگ در اطراف شتر عائشه بود. وقتی امام^ع مقاومت بصریان را در اطراف جمل دید دستور کشتن شتر را صادر کرد. پس از پایان جنگ امام^ع او را به مدینه فرستاد. و پس از آن امام^ع به کوفه رفت و تا شهادت همانجا ماندند.

امام^ع چرا در کوفه مستقر شد؟ برای این که می دانستند بزودی سپاه شام درگیر خواهد شد. لذا امام^ع کوشید، از هان مردم را نسبت به مسائل مختلف روشن کرده، و برای پشتیبانی تحولات بعدی آماده کند.

امام^ع از کوفه به معاویه نامه نوشتند. در این همین زمان معاویه عمرو عاص را به خود جلب کرد. در این زمان میان امام^ع و معاویه چندین نامه

رد و بدل شد. و از طرف امام[ؑ] بعضی از صحابه امام[ؑ] هم به معاویه نامه نوشتند، ولی معاویه هیچ قبول نکرد. لذا امام[ؑ] مجبور بود که از معاویه بچنگد. منطقه جنگ صفین بوده، گفته شده شمار سپاه شام بالغ بر یکصد و بیست هزار نفر بوده. و سپاه امام[ؑ] زمان خروج از کوفه بالغ بر هشتاد هزار نفر بوده. طی يك نبرد و بارشادات مالک اشتر سپاه عراق به آب مسلط شد. اما به شامیان آب نه بست. در آخرین روزها جنگ اینقدر شدید بوده که معاویه و عمرو عاص کار را تمام شده می بینند، لذا دست به حيله زدند، پانصد قرآن بر سر نیزه های شامیان بالا رفت فریاد بلند بود، ای گروه عرب! به زنان و دختران خود ببندشید. لذا سپاه عراق فهمید حکمیت قرآن بلند است و جنگ نکرد. لذا حکم قرار دادند، و در حکمیت ابو موسی اشعری از طرف امام[ؑ] و عمرو عاص از طرف معاویه. ولی اینجا هم عمرو عاص به ابو موسی حيله داد. و کار به نفع معاویه تمام شد. وقتی سپاه عراق بر می گشت همه به یکیگر طعنه می نهند.

در همین جا بود که خوارج بروز کردند و جنگ نهر روان پیش آمد. لذا اینجا هر چه امام[ؑ] اصرار می کردند مردم جمع شوند، ولی کسی جمع نشد. و بعد از آن تجاوزات و غارتگری های سپاه شام صورت گرفت. در این غارت گری بسر بن ارسطو به مردم ظلم های شدید وارد کرد. بعد از این مصائب آلام، امام[ؑ] بالاخر به نوزدهم ماه مبارک رمضان ۴۰ هجری در مسجد کوفه مورد حمله ابن ملجم قرار می گیرد و شهید می شود. وقتی امام[ؑ] ضریب خوردند، گفتند فرزت و رب الکعبه. و بعد شهادت امام علی[ؑ] امام حسن[ؑ] امام حسین[ؑ] جنازه امام[ؑ] را در نجف دفن می کنند.

والسلام

سید تنویر عباس رضوی

مدرسه فقه و معارف (حجتیه)

انتساب

میں اپنے اس ترجمہ کا انتساب، نازش علم و دین،
مجسمہ عدالت، امام زمانہ (عج) کے نام کر رہا ہوں،
﴿ گر قبول افتد زہ عز و شرف ﴾

عرض مترجم

مشہور و معروف مورخ حضرت حجۃ الاسلام والمسلمین جناب آقای رسول جعفریان کے حقیقت نگار قلم سے نکلے ہوئے افکار آج حوزہ علمیہ میں دروس کا متن بنے ہوئے ہیں یہ کتاب بھی انہی کتابوں میں سے ہے جو مختلف مدارس کے تاریخی متون کا خلاصہ ہے، لہذا ان کی ذات محتاج تعارف نہیں ہے اور ان کے حقیقت پسند افکار روز بروز مختلف کتابوں کی شکل میں منظر عام پر آرہے ہیں۔

لہذا ہم نے ضرورت محسوس کیا کہ ان کی کتاب کو اردو کا ملبوس دیا جائے، چنانچہ ایک ادیب اور مورخ کی کتاب کا ترجمہ کرنا ہم جیسے مبتدی کے لئے نہایت دشوار تھا، مگر مرکز جہانی علوم اسلامی کے شوق دلانے پر اور حجۃ الاسلام والمسلمین سید شجاعت حسین رضوی گوپال پوری کی راہنمائی پر یہ کام آسان ہوتا گیا، لہذا میں ان تمام حضرات کا ممنون و مشکور ہوں جنہوں نے میری مدد کی۔

چونکہ حقیر کی یہ پہلی کاوش ہے اس لئے اس میں بہت سی خامیاں ناگزیر ہیں لہذا ان خامیوں کو اپنے دامن عفو میں جگہ دیجئے گا اور ان سے باخبر کیجئے گا تاکہ ان کی اصلاح کر لوں۔

آخر میں بہ طفیل محمد وآل محمد (ص) پروردگار کی خدمت میں التجا ہے کہ آئندہ بھی علوم آل محمد (ص) کی نشر و اشاعت کی توفیق قلم اور زبان سے عنایت فرمائے۔ آمین۔

والسلام

سید تنویر عباس رضوی

۳ جمادی الاول ۱۴۲۶ھ عصر جمعہ

فہرست کتاب

- ۱..... حضرت امام علی علیہ السلام اور پیغمبر اسلام ﷺ
- ۸..... حضرت علیؑ اور خلفاء
- ۱۷..... لوگوں کی حضرت علیؑ سے بیعت
- ۲۸..... قاعدین اور جماعت
- ۳۲..... حضرت علیؑ کی مشکلات
- ۳۳..... حکومت کی اصلاح اور سیرت نبوی کا احیاء
- ۵۰..... امامؑ اور جنگ جمل
- ۷۱..... امامؑ کو فدمیں
- ۷۵..... صفین میں قاسطین کے ساتھ جنگ
- ۱۰۹..... باغی خوارج کے ساتھ جنگ
- ۱۱۶..... خوارج کا وجود اور خصوصیات
- ۱۲۵..... شامی لشکر کے مظالم
- ۱۳۸..... شہادت امیر المومنینؑ
- ۱۴۱..... فضائل امیر المومنینؑ
- ۱۴۶..... تشیع کو اجاگر کرنے میں امامؑ اور اصحاب امام کی کوششیں

۱۶۵.....	حدیث غدیر قدیمی نسخوں میں
۱۸۲.....	تاریخ میں علوی سیرت پر توجہ
۱۹۸.....	حضرت علیؑ کی نظر میں دینی حکومت کو پہنچانے والے نقصانات
۲۱۹.....	اہلسنت کی نظر میں حضرت علیؑ علیہ السلام کا مرتبہ
۲۵۸.....	حضرت علیؑ علیہ السلام اور عوام
۲۷۸.....	منابع و مآخذ کتاب

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

حضرت علی علیہ السلام اور پیغمبر اسلام صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم (۱)

حضرت علیؑ کو یہ فخر حاصل ہوا کہ بچپن (۲) ہی سے رسالت کے گھر میں تربیت پائی (۳) اس سلسلے میں سنی معترضی شارح نہج البلاغہ ابن ابی الحدید نے بہت سی باتوں کو ایک جگہ جمع کیا ہے۔ منجملہ زید بن علیؑ بن الحسینؑ نقل کرتے ہیں: آپ کے لیے رسول خدا ﷺ گوشت اور خرمہ اپنے منہ میں نرم کرتے پھر آپ کو کھانے کو دیتے تھے (۴) اسی قرابت کی وجہ سے رسول خدا ﷺ پر اظہار ایمان کرنے والے سب سے پہلے آپ ہی ہیں، حضرت علیؑ نے خود فرمایا:

”لم یسبقنی الارسول اللہ بالصلاة“ (۵)

مجھ سے پہلے سوائے رسول خدا ﷺ کے کسی اور نے نماز نہیں پڑھی اس سلسلے میں بہت سے حوالے موجود ہیں اسی وجہ سے اس سلسلے میں کسی مصنف کو کوئی شک و شبہ باقی نہیں رہتا۔

(۱) یہ کتاب چھ حصوں میں ہے پہلا حصہ حضرت علی علیہ السلام کی زندگی اور جنگوں سے مربوط ہے کچھ اصلاح کے ساتھ بعینہ اسلام کی سیاسی تاریخ ((تاریخ خلفاء)) سے نقل کر دیا گیا ہے پھر پانچ مقالے ہیں ۱۔ غدیر ۲۔ امام کی سیاسی زندگی ۳۔ حضرت علیؑ کی نظر میں دینی حکومت کو بہو نجانے والے نقصانات ۴۔ امام کا مقام اہلسنت کے درمیان ۵۔ امام اور عوام۔

(۲) کان علی فی حجر رسول اللہ ﷺ منذ کان عمره ست سنین، بحار الانوار ج ۳۸ ص ۲۵۴

(۳) انساب الاشراف ج ۲ ص ۳۹۰

(۴) شرح نہج البلاغہ ج ۱۳ ص ۲۰۱، ۱۹۸

(۵) نہج البلاغہ خطبہ ۳۵۱۳

جب رسول خدا ﷺ نے آپ سے ایمان اور اسلام کے اظہار کے لیے کہا تو آپ نے فوراً اظہار اسلام فرمایا... یہ امر آپ کی بلوغ فکری کا پتہ دیتا ہے (۱)

مسعودی کا بیان ہے: بعض لوگ امام کے سن کو اسلام کے اظہار کے وقت کم بتاتے ہیں تاکہ کہہ سکیں کہ جب آپ نے اظہار اسلام کیا تو بچہ تھے۔ (۲)

حقیقت یہ ہے کہ رسول خدا ﷺ آپ کے معنوی اور علمی واجتماعی بلند مرتبہ کو اور آپ کی قربانیوں کو جو کہ مختلف مواقع پر انجام پائی تھیں اصحاب کے درمیان مناسب موقعوں پر بیان فرماتے تھے اور آپ کی خصوصیات اور انفرادیت کا تذکرہ فرماتے تھے لوگوں کو آپ کی منزلت سے آگاہ کرتے تھے یہی وہ فضائل و مناقب تھے جو امویوں اور حضرت علی علیہ السلام کے دوسرے دشمنوں کی کوشش کے باوجود معتبر سلسلہ سند کے ساتھ حدیث اور تاریخ کی کتابوں میں موجود ہیں یہ روایات جب لکھی گئیں تو دوسری صدی ہجری کا زمانہ تھا اس زمانے میں جو روایات جمع کرنے والے تھے اور روایت کرنے والے تھے مذہب کے اعتبار سے عثمانی خیالات کے تھے جو امام کی فضیلت برداشت نہیں کر سکتے تھے۔

اسی کے مد مقابل اموی حکومت کے طرفدار اور بنی امیہ عثمانی فکر رکھنے والے خلفاء اور صحابہ کے بارے میں جعل کی ہوئی حدیثیں نقل کرتے تھے ان جعل کی ہوئی حدیثوں میں بعض درحقیقت امام کے فضائل تھے جو خلفاء کی طرف منسوب کر دیئے گئے تھے ان تحریفوں کا کوئی خاطر حواہ نتیجہ نہیں نکلا چونکہ امام کی نقل شدہ فضیلتیں اس قدر درست تھیں اور اس کے راوی اس قدر معتبر تھے کہ بہر حال کتابوں میں باقی رہ گئے ان فضائل کو باقی رکھنے میں کوئی راویوں نے اہم کردار ادا کیا امام احمد بن حنبل کا بیان ہے: کہ جس قدر علی کے فضائل وارد ہوئے ہیں کسی اور کے لیے نہیں ملتے (۳) پھر کہتے ہیں علی کا موازنہ کسی صحابی سے نہیں کیا جاسکتا ”ان ابن ابی طالب لا یقاس بہ احد“ (۴)

(۱) المعیار الموازنہ ص ۶۸-۶۹، انساب الاشراف ج ۱ ص ۱۱۲.

(۲) التنبیہ والاشراف ص ۱۹۸.

(۳) مناقب امام احمد بن حنبل، ابن جوزی، ص ۱۶۰ طبقات الختابلہ، ج ۱ ص ۳۱۹.

(۴) مناقب امام احمد بن حنبل، ص ۱۶۳.

ان فضائل میں کچھ ایسی روایات ہیں کہ جن کے صحیح ہونے کے بارے میں ذرہ برابر بھی شک و تردید نہیں کی جاسکتی کچھ فضائل اس قدر اہمیت کے حامل ہیں جو خود رسول خدا ﷺ کی نگاہ میں مولائے کائنات کی عظیم الشان شخصیت کو ہمارے لئے بیان کرتے ہیں۔

ابوسعید خدری کے بقول: ”کان لعلی من النبی دخله لست لاحد کان لنبی من علی دخله لست لاحد غیره و کانت دخله النبی من علی ان النبی ﷺ کان یدخل علیہم کل یوم“ (۱) علیؑ پیغمبر کی خدمت اس طرح آیا جایا کرتے تھے کہ یہ بات کسی اور کو نصیب نہ تھی اسی طرح سے پیغمبر (ص) علیؑ کے پاس اس طرح آیا جایا کرتے تھے کہ یہ خصوصیت کسی کو حاصل نہ تھی کہ آنحضرت ہردن علیؑ اور فاطمہ (س) کے پاس جاتے اور ان کو سلام کرتے تھے۔

زید بن ثابت کا بیان ہے: ”انت من رسول اللہ (ص) بالمكان الذی لا یعدله احد“ (۲) حضرت علیؑ علیہ السلام حضرت رسول خدا ﷺ کی ایسی معرفت رکھتے تھے کہ کوئی بھی صحابی اس طرح سے آپ کی ایسی معرفت نہیں رکھتا تھا (۳)

زید نے یہ بات اس وقت کہی جب وہ جناب حضرت عثمان کا سخت طرفدار تھا پیغمبر کے امام سے لگاؤ کی ایک وجہ یہ ہے کہ آپ نے اپنی اکلوتی بیٹی ”جو عورتوں کے لئے نمونہ تھیں“ سے آپ کا عقد فرمایا تھا حضرت علیؑ علیہ السلام سے پہلے حضرت ابو بکر اور حضرت عمر کی بھی خواہش تھی کہ فاطمہؑ ان سے شادی کر لیں مگر پیغمبر نے قبول نہیں کیا تھا لیکن جب امامؑ خوشگاری کے لئے آئے تو پیغمبر نے قبول کر لیا اور فرمایا کہ فاطمہ (س) تمہاری ہی کفو ہو سکتی ہیں جب حضرت علیؑ نے حضرت فاطمہؑ سے عقد فرمایا تو حضرت رسول خدا ﷺ نے ان سے ایک گھر بنانے کے لئے کہا حضرت علیؑ نے پیغمبر اکرم ﷺ کے گھر سے دور ایک گھر لیا عقد کے بعد رسول خدا ﷺ نے چاہا علیؑ اور فاطمہ (س) ان کے نزدیک رہیں

(۱) المصنف عبدالرزاق، ج ۱۰، ص ۱۳۰، انساب الاشراف، ج ۲، ص ۹۸، تاریخ دمشق کے حاشیہ پر، ج ۳۸، ص ۳۳، امالی ابن

الشیخ، ص ۳۳ حدیث سوم، مجلس ۲۷

(۳) سبل الہدی والرشاد، ج ۶، ص ۶۳۲

(۲) الفتوح، ج ۲، ص ۱۶۵

اسی لئے علیؑ کا گھر رسول خدا ﷺ کے گھر سے ملا ہوا ہے اور یہ کام حارث بن نعمان کے ایثار اور جذبہ
فداکاری سے انجام پایا۔ (۱)

شاید اسی وجہ سے عبداللہ بن عمر کا بیان ہے: اگر کوئی علیؑ کی منزلت رسول خدا ﷺ کے نزدیک جاننا
چاہتا ہے تو علیؑ کے گھر کو دیکھ لے۔ (۲)

اخوت کے سلسلے میں آنحضرت (ص) نے آپ کو اپنا بھائی منتخب کیا (۳) جب رسول خدا
ﷺ خطبہ دیتے تو امام علیؑ آپ کے خطبوں کو کچھ فاصلہ کے ساتھ لوگوں سے بیان کرتے جاتے تھے، (۴)
اور جب پیغمبر غضبناک ہوتے تھے تو اس وقت امام کے علاوہ کوئی آپ سے گفتگو کی جرأت نہیں رکھتا
تھا، (۵) لوگ علیؑ کو اپنے مسائل کے لئے اپنے اور رسول خدا ﷺ کے درمیان واسطہ قرار دیتے تھے (۶)
اہل سنت نے عائشہ سے نقل کیا ہے وہ کہتی ہیں: کہ عورتوں میں آنحضرت ﷺ سے سب سے قریب
فاطمہ (س) اور مردوں میں علیؑ تھے (۷) رسول خدا ﷺ نے آپ کی قطعی فضیلتوں میں ایک فضیلت
”حدیث منزلت“ میں علیؑ سے اپنی نسبت یوں بیان فرمائی ہے جو ہارون کو موسیٰ سے تھی (۸) جب بھی
کوئی مشکل آپ کو پیش ہوتی تھی کہ کوئی آنحضرت کی طرف سے امور کی اصلاح کے لئے جائے تو آپ
علیؑ کو روانہ کرتے تھے۔ (۹)

امام علیؑ سے یہ سوال کیا گیا کہ آپ کس طرح دوسرے صحابہ سے زیادہ حدیث بیان کرتے ہیں تو امام
نے جواب دیا: ”لانی کنت اذا سالتہ انبانی و اذا سکتبت ابتدانی“ (۱۰)

- (۱) طبقات الکبریٰ، ج ۸، ص ۲۲
(۲) انساب الاشراف، ج ۲، ص ۱۸۱-۱۸۰
(۳) صحیح ترمذی، ج ۱۳، ص ۱۷۰، ابن ابی شیبہ، ج ۱۲، ص ۶۲-۸۲، المستدرک، ج ۳، ص ۱۳، ریح الارواء، ج ۱، ص ۸۰۷، انساب الاشراف
(۴) ریح الارواء، ج ۳، ص ۳۲۔
(۵) ج ۱، ص ۲۵۰، ج ۲، ص ۱۳۵۔
(۶) انساب الاشراف، ج ۲، ص ۱۰۷، المستدرک، ج ۳، ص ۱۳۰۔
(۷) الاستیعاب، ج ۱، ص ۳۷۸، تاریخ جرجان، ص ۲۱۸۔
(۸) جیسا کہ متن میں اشارہ ہوا کسی نے اس میں شک نہیں کیا۔
(۹) طبقات الکبریٰ، ج ۷، ص ۳۳۵، التراتیب
(۱۰) انساب الاشراف، ج ۲، ص ۹۸۔
الاداریہ، ج ۱، ص ۴۴۳-۴۴۳، بحار الانوار، ج ۳۸، ص ۷۵-۷۳۔

کہ میں جب آنحضرت (ص) سے سوال کرتا تھا تو مجھے بانبر کرتے تھے اور جب میں خاموش ہو جاتا تھا تو آنحضرت ﷺ خود گفتگو کا آغاز کرتے تھے جھکو اگر کسی مسئلہ پر ضرورت پڑتی تو میں رسول ﷺ سے دریافت کرتا اور اسکو اپنے پاس محفوظ کر لیتا تھا (۱) میں کبھی بھی کسی چیز کو نہیں بھولا (۲)

امام نے ایک خط میں لکھا ”وانا من رسول اللہ كالصنوم من الصنوع والذراع والعضد“ (۳) میں اور رسول ﷺ ایک درخت تناور کی دو شاخیں ہیں جیسے کہدیاں بازو سے ملی ہوئی ہیں امام فرماتے ہیں: جس طرح اونٹ کا بچہ اپنی ماں کے پیچھے جاتا ہے اس طرح میں ہمیشہ پیغمبر ﷺ کے ساتھ رہتا تھا (۴) اور فرمایا: ”انسی لم ارد علی اللہ ولا رسولہ ساعة قط“: میں نے ایک لمحہ کے لئے بھی خدا اور رسول کو فراموش نہیں کیا (۵) سورہ برات کے سلسلے میں خدا نے رسول ﷺ سے فرمایا کہ اس پیغام کو یا تم خود پہنچاؤ یا وہ پہنچائے جو تم جیسا ہو اسی وجہ سے جب حضرت ابو بکر کو پہلے روانہ کر چکے تھے ان کو منع کر دیا اور حضرت علی علیہ السلام سے فرمایا کہ حج اکبر، عرفہ کے دن اس پیغام کو پہنچا دینا (۶)

امام نے خطبہ قاصعہ میں پیغمبر سے اپنی قربت کے سلسلے میں ایک عظیم الشان خطبہ ارشاد فرمایا: تم لوگ جانتے ہو کہ رسول ﷺ کے نزدیک میرا کیا رتبہ ہے اور ان سے میرا خاندانی تعلق کیسا ہے جب میں بچہ تھا تو آنحضرت (ص) جھکو اپنے پاس بٹھاتے تھے اپنے سینے پر لٹاتے تھے اور اپنے بستر پر سلاتے تھے اپنے وجود سے میرے وجود کو ملا کر رکھتے تھے اپنی خشبو سے جھکو معطر کرتے تھے اور کھانا پہلے اپنے منہ میں نرم کر لیتے پھر مجھ کو کھلاتے تھے آنحضرت ﷺ نے مجھ سے گفتار و کردار میں کوئی جھوٹ اور خطا نہیں دیکھی اور جب رسول ﷺ کی دود بڑھائی ہوگی تو اس وقت خدا نے اپنے فرشتوں میں عظیم

(۱) نوح البلاغ، خطبہ ۲۰۸۔

(۲) انساب الاشراف، ج ۲، ص ۱۲۱۔

(۳) نوح البلاغ، تا ۳۵۔

(۴) تعنیف نوح البلاغ، ص ۳۵۵۔

(۵) نوح البلاغ، خطبہ ۱۹۵۔

(۶) انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۸۲، ج ۲، ص ۱۲۳-۱۵۵۔

فرشتہ کو شب و روز پیغمبر (ص) کے ساتھ کر دیا یہاں تک کہ آپ نے بزرگوں کی راہیں طے کیں اور دنیا کے بہترین اخلاق سے بالیدہ ہوئے اور میں سایہ کی طرح رسول خدا ﷺ کے پیچھے چلنے لگا جیسے اونٹ کا بچہ اپنی ماں کے پیچھے چلتا ہے رسول خدا ﷺ ہر دن میرے لئے اخلاق کا نمونہ ظاہر کرتے تھے اور ہم کو پیروی کے لئے کہتے تھے ہر سال کوہ حراء میں خلوت کرتے تھے صرف میں ان کو دیکھ سکتا تھا میرے علاوہ کوئی اور نہیں دیکھ سکتا تھا اس وقت صرف جناب خدیجہ کے گھر میں اسلام تھا میں ان میں تیسرا فرد ہوتا تھا میں وحی کے نور اور رسالت کو دیکھتا تھا اور نسیم نبوت کو محسوس کرتا تھا۔ (۱)

امام رسول خدا (ص) کے اس طرح نزدیک تھے کہ فرماتے ہیں:

خدا کی قسم! کوئی آیت ایسی نہیں اتری ہے جس کے بارے میں معلوم نہ ہو کہ کس چیز کے بارے میں ہے اور کہاں پر نازل ہوئی ہے (۲) ابن عباس فرماتے ہیں: خدا نے کوئی سورہ ایسا نہیں بھیجا جس میں علیؑ کے فضائل نہ ہوں خدا نے اصحاب محمد پر عتاب نازل کیا لیکن علیؑ کے سلسلے میں نیکی کے علاوہ کچھ نہیں فرمایا۔ (۳)

امام احمد بن حنبل ان لوگوں سے جو علیؑ کو قسم جنت و نار ہونے پر تعجب کرتے تھے کہتے تھے کیا حدیث میں نہیں ہے کہ رسول خدا ﷺ نے علیؑ سے فرمایا ”لا یحک الا مومن ولا یبغضک الا منافق“ تم سے محبت نہیں کرے گا مگر مومن اور بغض نہیں کرے گا مگر منافق ان لوگوں نے کہا ہاں، امام احمد نے کہا کہ مومن کی جگہ جنت ہے اور منافق کی جگہ جہنم اسی وجہ سے علیؑ قسم جنت و نار ہیں (۴) عبدالعزیز بن الحکم نے اپنے بیٹے عمر ”خلیفہ اموی“ سے کہا: اگر یہ احمق لوگ علیؑ کی وہ فضیلتیں جانتے ہوتے جنہیں ہم جانتے ہیں تو دو آدمی بھی ہماری پیروی نہ کرتے۔ (۵)

(۲) انساب الاشراف، ج ۲، ص ۹۹.

(۱) نوح البلاغ، خطبہ ۱۹۲.

(۳) معرفۃ الصحاب، ج ۱، ص ۱۳۹۸، المعجم الکبیر، ج ۱۱، ص ۲۶۳. حلیۃ الاولیاء، ج ۱، ص ۶۳.

(۴) طبقات الختایہ، ج ۱، ص ۳۲۰.

(۵) ریح الارباب، ج ۱، ص ۳۹۹.

جناب سلمان فرماتے ہیں: اگر علی تمہارے درمیان سے چلے جائیں تو کوئی بھی ایسا نہیں جو پیغمبر ﷺ کے راز کو تم سے بیان کر سکے (۱) ابن ابی الحدید نے ٹھیک کہا کہ ابوطالب اور فرزند ابوطالب علی اور جعفر سے زیادہ رسول خدا ﷺ کی کسی اور نے مدد نہیں کی (۲) کسی شخص نے رسول خدا ﷺ سے علی کے بارے میں گلہ کیا تو آپ نے تین مرتبہ فرمایا ”علی کو سکون سے رہنے دو“ فان علیا منی و انا منه و هو ولسی کل مومن (۳) آپ نے شب ہجرت رسول اللہ ﷺ کی جان بچائی (۴) بدر میں ۳۰ مشرکوں کو قتل کیا احد میں جب سب پیغمبر ﷺ کے پاس سے بھاگ گئے تو آپ پیغمبر ﷺ کے پاس موجود رہے اور آپ کے جان کی محافظت کی پیغمبر ﷺ نے علی کی ایک ضربت کو جو ”عمر بن عبدود“ کے سر پر پڑی تھی جن وانس کی عبادت سے بہتر جانا اور یہی ضربت دشمن کے شکست کا سبب بنی (۵) آپ بہت سی جنگوں میں لشکر کے علمبردار رہے۔ (۶)

اصحاب پیغمبر میں علیؑ سے علمی اعتبار سے بہتر کوئی نہ تھا خود رسول خدا ﷺ اور اصحاب پیغمبر نے اس بات کا اعتراف کیا ہے تاریخ بھی اس پر گواہ ہے کہ رسول خدا ﷺ نے فرمایا:

”انا مدینة العلم و علی بابها“ میں شہر علم ہوں اور علی اس کا دروازہ اور خود امام کا منبر کے اوپر اعلان ”سلونی قبل ان تفقدونی“ (۷) برتری علم کی دلیل ہے یہ ایسا دعوا ہے کہ سعید بن مسیب کے قول کے مطابق کسی بھی صحابی نے آپ کے علاوہ نہیں کیا (۸) رسول خدا ﷺ نے امام سے کہا کہ لوگوں کو وضو اور سنت کی تعلیم دیں (۹) عائشہ جو علیؑ و فاطمہؑ کی دشمن پیغمبر ﷺ کے زمانے سے تھیں کہا:

- (۱) انساب الاشراف، ج ۲، ص ۱۸۳۔ (۲) شرح نوح البلاغ، ج ۷، ص ۱۷۴۔ (۳) الامالی فی الآثار الصحابہ ص ۱۸۰ اور اسی کے حاشیہ پر مسند احمد ج ۴، ص ۳۳۷ صحیح ترمذی ش ۳۷۹۶، مسند طحاوی ش ۸۲۹، خصائص علی (ع)، نسائی، ص ۶۵، خلیفہ الاولیاء، ج ۶، ص ۲۹۴، المستدرک، ج ۳، ص ۱۱۰، المعجم الکبیر، ج ۱۸، ص ۱۲۸، اور دیکھئے: الاستیعاب، ج ۴، ص ۳۲۲۔ (۴) انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۶۰۔ (۵) تاریخ مختصر الدول، ص ۹۵، شرح نوح البلاغ، ابن ابی الحدید، ج ۵، ص ۷۔ (۶) انساب الاشراف، ج ۲، ص ۹۱-۹۲، حیاة الصحابہ، ج ۲، ص ۵۱۵-۵۱۴۔ (۷) نوح البلاغ، خطبہ ۱۹۸۔ (۸) تاریخ صحیح بن معین، ج ۳، ص ۱۳۳۔ (۹) طبقات الکبریٰ، ج ۴، ص ۵۲۔

علی اعلم الناس بالسنہ (۱) معروف تابعی عطاء کا بیان ہے: علیٰ نقیہ ترین فرد رسول کے صحابیوں میں سے ہیں (۲) عمر بن عبدالعزیز نے امام کو سب سے زیادہ متقی اور زاہد اصحاب پیغمبر میں بتایا ہے۔ (۳)

حضرت علی علیہ السلام اور خلفاء

اگر یہ بات صحیح ہو کہ رسول خدا ﷺ کے زمانے میں مہاجرین کے درمیان دو مختلف سیاسی فکر میں پائی جاتی تھیں ان میں کچھ ایسے افراد تھے جو خلافت کو حاصل کرنے کی کوشش میں لگے تھے ایسی صورت میں ماننا پڑے گا کہ امام اور شیخین کے درمیان رسول خدا ﷺ کے زمانے سے ہی تعلقات اچھے نہیں تھے تاریخ میں کوئی ایسی چیز نہیں ملی جو ایک دوسرے کے نزاع کو بیان کرے لیکن کوئی ایسی سند بھی نہیں جو ان دونوں کی دوستی کو بیان کرے، خود عائشہ کے اعتراف کی بنیاد پر علیؑ سے عائشہ کی دشمنی رسول خدا ﷺ کے زمانے سے پائی جاتی تھی یہ بات آل ابی بکر اور آل علیؑ کے درمیان اختلاف کا بہترین نمونہ ہے جس وقت جناب فاطمہ (س) کی شہادت ہوئی پیغمبر اسلام ﷺ کی تمام بیویوں نے بنی ہاشم کے ساتھ غم منایا لیکن عائشہ نے طبیعت کے خراب ہونے کا بہانا بنا کر شرکت نہ کی بلکہ حضرت علیؑ سے کچھ اس طرح کی باتیں بیان کی گئیں جن سے معلوم ہوتا ہے کہ عائشہ نے فاطمہ (س) کے شہادت پر خوشی کا اظہار کیا تھا۔ (۴)

حضرت ابو بکر کے خلیفہ بننے کے فوراً بعد اور امامؑ کی اس تاکید کے بعد کہ خلافت ان کا حق ہے اختلاف ظاہر ہونے لگا، اسکے بعد امامؑ کے گھر پر حملہ اور فاطمہ (س) کا غضبناک ہونا اور اپنے جنازہ میں شیخین کو شرکت کی اجازت نہ دینا اختلاف میں اور شدت کا باعث بنا۔ (۵)

(۲) مقتل الامام امیر المومنین، ص ۱۰۷

(۱) تاریخ الکبیر، بخاری، ج ۲، ص ۲۵۵

(۳) مقتل الامام امیر المومنین، ص ۱۰۷، اس باب میں امامؑ کے بہت فضائل لکھے جاسکتے ہیں لیکن اس کتاب کے لئے اتنا ہی کافی ہے

(۵) دیکھیے: المسد رک، ج ۳، ص ۱۶۲، طبقات الکبریٰ، ج

(۴) شرح نوح البلاغ، ابن ابی الحدید، ج ۹، ص ۱۹۸